

بسمه تعالی

لغات زبان تخصصی مهندسی عمران

لغات درس ۱۱ الی ۱۳ به همراه معنی آنها

کتاب دکتر محمد عزمی

تهیه و تنظیم: محمود طالبی

برای دریافت نسخه اصلی این مجموعه لغات به

وبلاگ تخصصی دانشجویان عمران ۸۹ [صین القصات میانه](#)

به آدرس زیر مراجعه نمایید:

لغات جدید درس اول :

Deflection	تغییر شکل خمشی ، خمیدگی	Suggestion	پیشنهاد ، نظریه
Cease	متوقف کردن	Characters	مشخصات
Strain	تغییر شکل	Experimental	تجربی ، عملا
Stable	پایداری	Evidence	شاهد ، گواه
Equilibrium	معادلات	Indicate	بیان کردن
Tension	کشش	Assume	بخود گرفتن
Twist	تاب برداشتن	Brittle	شکننده
Shaft	میله	Initiate	آغاز شدن
Gradually	گسترده ، بصورت منظم	Index	شاخص
Buckling	کمانش	Substantially	قابل توجه ، اساسی
Associated	ارتباط دادن	Ductile	شکل پذیر
Collapse	خرابی	Inversely	بطور معکوس
Slender	نازک ، باریک	Proportional	نسبت
Exceed	تجاوز کردن	Portion	بخش
Slightly	اندکی ، جزئی	Denote	باعث شدن
Shell	پوسته	Fairly	نسبتا
Amplitude	دامنه	Vessel	مخزن
Vibration	ارتعاش	Pipe	لوله
Objectionable	قابل اعتراض ، نامناسب	Recrystallization	تبلور مجدد
Collision	برخورد	Response	پاسخ
Stationary	ثابت	Permanent	پایدار
Significant	قابل توجه ، با اهمیت ، پر معنی	Undesirable	نامطلوب
Mentioned	ذکر شده	Due to	در جهت
Stiffness	سختی	Fracture	شکست
Yield	تسلیم	Precede	مقدم بودن

Excessive	بیش از حد	Appreciate	ارزیابی کردن
Substituting	جانشینی	Prior	قبل از
Torsion	پیچش	Cast Iron	چدن ، آهن ریخته شده
Absorb	جذب کردن	Uniaxial	تک محوری
Breaking	گسیختگی	Presence	وجود
Toughness	نرمی	Flaw	درز برداشتن ، ترک
Resiling	فنریت ، برگشت پذیری	Exhibit	نمایش دادن ، نشان دادن
Prudent	معقول	Smooth	صاف
Criteria	ملاک	Magnitude	مقدار
Fatigue	خستگی	Attributable	نسبت دادنی
Propagate	زیاد شدن	Accompanied	همراه بودن
Rupture	گسیختگی	Lamellar	لایه‌ای
Undergo	در معرض قرار گرفتن	Tear	پارگی
Configuration	شکل	Promote	ارتقا دادن ، ترکیب دادن
Corrosion	خوردگی	Rarely	به ندرت
Elaborate	ماهرانه ساختن	Abrupt	ناگهانی
Ordinary	معمولی	Defects	نقایص
Elevated	بالا برده شده	Disruption	توزیع
Creep	خزش	Encountered	مواجه شدن
Progressive	دوره‌ای ، به تدریج	Tendency	تمایل
Occur	رخ دادن	Impact	ضربه‌ای ، فشرده
Residual	پس ماند		

لغات جدید درس دوم :

Combine	ترکیب کردن	Assembled	سوار
According	مطابق	Resolved	تجزیه
Parallelogram	متوازی الاضلاع	Straight	مستقیم
Combination	ترکیب	Cyclic	دوره‌ای
Bracket	لچکی	Counterclockwise	پاد ساعتگرد
Specifications	مشخصات ، خصوصیات	Accompany	همراه بودن
Alter	تغییر دادن	Concurrent	موافق ، مصادف
Instance	شاهد	Affect	اثر گذاشتن
Secure	نگهداری کردن	Earthbound	(میدان زمین) جاذبه
Treat	رفتار کردن	Readily	با میل
Gravitational	جاذبه‌ای	Apparent	ظاهر ، اشکار
Magnetic	مغناطیسی	Calibrate	درجه بندی
Exert	اعمال کردن	Customary	متعارف ، مرسوم
Involve	شامل	Observe	مشاهده
Concern	اهمیت ، ربط داشتن	Represent	نشان دادن ، ظهور
Restrict	محدود کردن	Distinguish	تشخیص دادن
Bearing Support	تکیه‌گاه متحمل بار	Merely	فقط ، صرفاً
Conclusion	نتیجه	Collinear	هم امتداد
Transmissibility	قابلیت جابجایی	Convenient	مناسب ، شایسته، دلخواه
Investigate	تحقیق کردن	Resolution	تجزیه
Sliding Vector	بردار لغزان	Evident	واضح
Essentially	ذاتاً	Eliminate	حذف کردن
Concentrate	متمرکز کردن	Ambiguity	ابهام
Distribute	گسترده کردن	Dotted Line	نقطه چین
Finite	محدود	Vise Versa	برعکس
Negligible	قابل صرف‌نظر کردن	Convenience	کارآیی
Accuracy	درستی، دقت	Arbitrary	دلخواه، اختیاری
Attraction	جذابیت	Logical	منطقی
Obvious	آشکارا ، هویدا ، بدیهی	Orient	جهت داشتن
Symmetry	تقارن	Neatly	بطور مناسب ، آراسته
Simplification	ساده‌سازی	Clarify	توضیح دادن
Principle	اصل	Circumstance	شرایط ، موقعیت
Theorem	نظریه	Demonstrate	نشان دادن
Methodology	روش ، روش شناسی	Benefit	مزایا
Phenomenon	پدیده	Apart	دور از هم
Tendency	تمایل		
Illustrate	نشان دادن		
Co planner	هم صفحه		
Unique	منحصر به فرد		

Aqueduct	آبگذر	Insulation joint	درز عایق بندی
Various	متنوع	Manhole	آدم رو
Conduit	مجرا	Appurtenance	متعلقه ، ضمیمه
Rest	بناکردن	Inspection	بازرسی
Safeguard	محافظت کردن	Facilitate	تسهیل کردن، آسان کردن
Pollution	آلودگی	Upstream	بالادست
Inferior	نامرغوب	Rise	گشادی
Convey	منتقل کردن	Intervening	ملاحظه کننده
Coincident	مطابق	Trap	زانو ، دریچه ، حبس کردن
Flume	مجرای بالاتر از سطح زمین	Vent	تهویه کردن
Conveyance	انتقال	Vacuum	خلا
Predict	پیشبینی کردن	Sediment	رسوب ، ته نشین
Permit	اجازه دادن	Relief	رها شدن
Excavation	خاکبرداری	Practical	امکان پذیر
Fill	خاکریزی	Trench	کانال
unlined	بدون پوشش	Crest	تاج
Perviousness	نفوذپذیری، تراوش پذیری	Standpoint	نقطه نظر
Hazard	خطر	Dike	خاکریز
Evaporation	تبخیر	Orifice	روزنه
Bituminous	مواد قیری	Reservoir	مخزن ، آب انبار
Rubber	لاستیک ، کائوچو	Turbulence	اغتشاش
Synthetic	مصنوعی	Distribution	پخش
Fabric	الیاف	Consult	مشورت
Maintenance	نگهداری	Convolution	پیچیدگی
Timber	الوار	Consumption	مصرف
Pipeline	خط لوله	Contingency	احتمال وقوع
Preclude	جلوگیری کردن از	Effectively	کارآمد، موثر
Bury	دفن کردن ، از نظر پوشاندن	Leakage	کمیابی
Cast Iron	آهن ریخته شده	Reciprocal	(دوجانبه) رفت و برگشتی
Valve	شیر	Feasibility	امکان پذیر
Air-Release	هواگیری	Expedite	تسریع کردن، اعزام کردن
Drain	زهکشی کردن	Seep	تراوش کردن
Drainage	زهکشی	Substantially	اساسا
Surge	(موج زدن (ضربه قوچ)	Grout	دوغاب

Expansion Joint	درز انبساط	Injection	تزریق
Porous	خلل و فرج دار	Represent	نمایش دادن
Algae	جلبک	Capitalize	سرمایه‌گذاری کردن
Membrane	غشا،	Correspond	مطابق، مناسب
Gunitite	مالات ماسه سیمان	Project	تصویر کردن
Contamination	آلودگی	Arbitrary	دلخواه
Standpipe	مخزن استوانه‌ای قائم	Budget	بودجه
Coordinating	هماهنگی	Route	مسیر
Feature	جلوه، مشخصه	Dictate	تلقین ، اشاره ، امر
Hilltops	نقاط مرتفع بالای تپه	Drawdown	افت
Overall	کلی	Cut-and-cover	حفاری و خاکریزی
Versus	در مقابل		
Various	مختلف		

Approximate	تقریبی	Simultaneous	همزمان
Lateral	جانبی	Cantilever	طره
Simplicity	ساده سازی	Unofficial	دستی
Satisfactory	قابل قبول	Advent	ظهور ، پدید آمدن
Assumptions	فرضیات	Omission	حذف، غفلت
Portal	قاب	Unsymmetrical	غیر متقارن
Girder	تیر	Seriousness	اهمیت
Bend	خمش	Tremendous	زیاد
Inflection	عطف	Negligible	قابل صرف نظر کردن
Middepth	وسط عمق	Precise	دقیق
Arbitrarily	دلخواه ، اختیاری	Accommodate	اصلاح کردن
Illustrated	نشان داده شده	Versatile	گسترده
Exterior	خارجی	Drawback	مانع، ضرر، برگشت
Interior	داخلی	Inclined	مایل
Bay	دهنه	Diagonal	مورب
Area method	روش سطح مقطع	Framework	قالب، استخوان بندی
Realistic	واقعی تر	Accurate	درست ، دقیق
Redundant	مجهول	Appreciable	قابل تقدیر، قابل ارزیابی
Stringer	تراورس عمودی	Inspire	القا کردن، تحریک کردن
Chord	سیم ، طناب ، قطر	Confidence	اعتماد ، توکل
Spandrel Beam	تیر محیطی	Detract	کسر کردن، سلب کردن
Anchor	میل مهار، مهار شدن	Joist	تیرچه
Hinge	مفصل شدن، لولا شدن	Injury	صدمه دیدن
Knee Brace	مهاربند زانویی	Provision	تامین کردن
Extremes	حدود	Occupant	ساکن
		Seasickness	دریا زدگی

لغات جدید درس پنجم :

Exploration	شناسائی	Underwrite	تعهد کردن
Investigation	تحقیق ، بررسی	Sewer	فاضلاب
Prerequisite	پیش نیاز	Conduct	منتقل کردن، رهبری کردن
Substructure	زیر سازه	Insignificant	نالازم، بی معنی
Obtain	رسیدن، بدست آوردن	Cohesion	چسبندگی
Feasibility	امکان	Extrapolation	
Officials	مسئولین، درست اندرکاران	Mandatory	وابسته به ، اجباری
Recommendation	توصیه ها	Fund	سرمایه
Consultant	مشاور	Fraction	کسر
Prior	قبل	Spread footing	پی منفرد
Issuance	صادر کردن	Mat	گسترده
Permit	اجازه دادن	Pile	شمع
Particularly	مخصوصا	Pedestal	پایه
Endanger	به خطر انداختن	Cementation	سمنتته شدن، چسبندگی
Degrade	پائین آوردن	Aging	پیری
Elimination	حذف کردن	Seems	به نظر رسیدن
Undertaken	به عهده گرفتن	Boulders	رس ریگدار
Adjacent	همسایگی	Fissured	شکافدار
Scarcity	کمیابی	Resolve	حل کردن
Renewal	نوسازی	Differentiate	تشخیص دادن
Accompanying	همراهی کردن	Tolerate	تحمل کردن
Backfill	پر کردن	Projectile-Type	پرتابه ای
Shallow	کم عمق	Bit	سرمرته
Prediction	پیش بینی	Penetration	نفوذ
Sheeting	سپر گذاری	Stratification	جینه بندی، تشکیل طبقات
Excavation	حفاری	Pit	گودال
Initiated	آغاز شده	Strata	لایه ها
Contemplate	در نظر داشتن، انتظار داشتن	Competent	دارای صلاحیت، بکر
Remedial	جبرانی ، درمانی	Extension	بسط، امتداد، توسعه
Information	اطلاعات	Conjunction	پیوستگی
Evidence	گواه ، شاهد	Refusal	رد، عدم قبول
Reinterpretation	گزارش	Mounted	معمول، زیاد
Reveal	آشکار کردن ، معلوم کردن	Conventional	قراردادی

Monitoring	نظارت	Barge	بارکش
Investment	بازرسی	Casing	غلاف
Continental	بین قاره‌ای	Solar Energy	انرژی خورشیدی
Shelves	شیب تدریجی کنار دریا	Crumble	قطعه قطعه شدن
Coast	ساحل	Rut	فاسد شدن
Vessel	کشتی	Crash	خرد شدن
Propel	جلوراندن ، ملخ هواپیما	Sea liner	کشتی مسافربری
Rod	میله	Reveal	آشکار کردن، فاش شدن
Increments	اضافه، افزایش، ترقی	Sag	خمیدگی، شکم دادن
Precisely		Sticking	چسبندگی
Elongation	قابلیت طولیل شدن	Erosion	سایش
Formidable	سخت ، مهیب	Ditches	خندق‌ها
Deteriorates	فاسد کردن	Outcrops	بیرون زده
Likelihood	احتمال	Reconnaissance	بازدید مقدماتی
Cavities	حفرات	Agronomy	کشت شناختی
Concentration	غلظت	Agriculture	کشاورزی
Isolated	همسان	Aerial	هوایی
Cited	ذکر شده	Interpret	توجیه
Elaborate	کارا، مفید	Terrain	زمین

لغات جدید درس ششم :

Result in Formation	نتیجه دادن، منتج شدن به ایجاد	Constituents	تشکیل دهنده‌ها
Inclined	مایل	Durability	دوام
Arise	ناشی شدن، برخاستن	Humidity	رطوبت
Transverse	جانبی	Workability	کارآیی
Stirrup	خاموت، رگاب	Rigidity	صلبیت
Concept	تصور کلی	Serviceability	کارآیی. قابلیت کار
Summarize	مختصر	Slab	دال
Absence	نبود، غیاب	Volumetric	حجمی
Flexural	خمشی، انحنای، تمایل	Continuity	پیوستگی
Vicinity	مجاورت	Reversible	قابل برگشت
Originating	ریشه در جایی داشتن	Camber	خیز معکوس
Relatively	نسبتا	Slight	کم
Cut off	بریدن	Bibliography	رفرنس
Extending	بسط یافتن	Accelerated	تسریع شده
Distress	نگرانی، پریشانی	Trend	روند
Extremity	انتها	Nominal	اسمی
formerly	سابقا	Corrosive	خورنده
Mentioned	ذکر شده	Detrimental	زیان آور، مضر
Participate	شریک شدن	Thawing	ذوب شدن
Interlock	قفل و بست	Corrosion	خوردگی
Dowel	عملکرد طولی	Contribute	سهام داشتن
Induce	القا کردن	Deterioration	خرابی، فساد
Overlap	هم پوشانی	Unightly	بد منظر
Tendons	میله کششی	Eliminate	حذف کردن
Rebar	میلگرد	Moderate	معتدل، میانه
Shrinkage	آب رفتگی	Equivalent	معادل
Broadly	بطور وسیع، گسترده	Provisions	پیش شرط، تدارک
Sandblast	ماسه پاشی	Traditionally	مطابق
Proportioned	نسبی، متناسب کردن	Permitted	مجاز
Diagonal	قطری، خط مورب	Adequate	کافی
Sustained	طویل المدت	Scatter	پراکنده
Substantial	قابل توجه	Emphasize	تاکید کردن
Suspend	معلق	Vulnerability	آسیب پذیری
Debris	زائد	Coarse	درشت
Cone	مخروط	Truncated	ناقص کردن، مقطوع
Mold	قالب ریخته‌گری		

Absence	غیاب، عدم حضور	Desirable	مطلوب
Empirical	تجربی، عملی	Accumulate	انباشته شدن
Evidence	مشاهده	Cumulative	تجمعی
Alternative	جایگزین ، انتخاب	Fitness	تناسب
Reduction	تبدیل	Precision	دقت
Descriptive	توصیفی، تشریحی	Density	چگالی
Correlation	همبستگی	Vary	تغییر کردن
Coefficient	ضریب	Histogram	نمودار ستونی
Characterizing	توصیف کردن	Quantitative	کمی
Mean	میانگین	Outline	دوره، طرح کلی
Intensity	شدت	Theorem	قضیه، نظریه
Corresponding	مطابق، متقابل	Rejection	نپسندیدن، عدم قبول
Funding	سرمایه گذاری	Appropriate	مقتضی
Indication	اشاره، علامت	Grammatically	مطابق دستور
Concepts	فرضیات	Mutually	از دوسر، متقابلا
Incorporating	ترکیب، اتحاد	Framework	قالب، استخوان بندی
Assessment	ارزیابی کردن	Traditional	سنتی
Enlightening	راهنمایی کردن	Implications	اشاره
Hypothesis	فرضیات	Criterion	ملاک، معیار
Extrapolating	برون پایی	Conversely	برعکس
Prediction	حدس	Tails	دنباله
Forecast	پیش بینی	Investigator	محقق
Inference	استنباط	Skewness	کشیدگی
Inherent	ذاتی	Hypothesize	نظریه ای
Dissolved	حل شده	Criticize	انتقاد
Concentration	غلظت	Break-up	قطعه قطعه
Stream	جریان	Disordering	نامنظم کردن
Likelihood	احتمال	Discrete	گسسته کردن

Fabricate	ساختن
Anchor	مهار کردن
Cast	ریختن، جا دادن
Attain	رسیدن
Withstand	مقاومت کردن
Bond	چسبیدن
Bar	میلگرد
Strand	کلاف
Preformed	قبلا تعبیه شده
Duct	لوله
Tube	لوله
Inject	تزریق کردن
Hoses	لوله‌ها
Subsequently	پس از آن ، سپس
Partially	نسبتاً، اندکی، تا اندازه‌ای
Wrapped	تاب برداشتن
Encase	داخل قرار گرفتن، پوشاندن
Coat	پوشانیدن
Bituminous	مواد قیری
Rust	زنگ زدن
Inhibitor	محافظت کننده
Corrosion	خوردگی
Annually	سالانه
Exceed	تجاوز کردن
Instance	نمونه، مورد
Frequently	غالباً
Warrant	ایجاب کردن
Expenditure	خرج، هزینه
Relaxing	تنش زدایی
Locus	مکان هندسی
Kern	هسته
Regain	دوباره بدست آوردن
Abutment	اتصال، حد
Appurtenance	ضمیمه، جزء ، متعلقه
Virtually	مجازی

Moderate	معتدل، میانه
Overload	اضافه بار
Utilize	مورد استفاده قرار دادن
Span	دهنه
Bona fide	منصفانه
Objection	مخالف
Benefits	مزایا
Out weight	بیشتر، مهمتر
Intangible	نا محسوس
Claim	ادعا کردن
Precaution	پیش بینی کردن
Prudent	با احتیاط ، با تدبیر
Trade	تجاری
Literature	مقالات
Elongation	کشش ، امتداد
Precise	دقیق
Desire	تمایل داشتن
Segmental	قطعه
Generalization	کلی گویی
Regard	تلقی کردن
Permanent	دائمی، همیشگی
Apparent	آشکار
Prevail	پیروز شدن
Rely	اعتماد کردن
Circumference	محیط

Devise	تصمیم گرفتن	Circumferential	محیطی
Withstand	مقاومت کردن	Geometric	هندسی
Anticipate	پیش بینی	Accounted for	توجیه شود
Aspect	جنبه، وجه	Disregard	صرفنظر کردن
Objective	مقصود	Flexural	خمشی
Idealization	ایده آل سازی	Torque	گشتاور
Aerospace	هوافضا	Torsion	پیچش
Ship Structures	(سازه های دریایی (کشتی	Torsional	پیچشی
Philosophy	فلسفه	Equilibrium	تعادل
Predominantly	بطور غالب	Equilibrated	متعادل شده
Concept	تصور کلی	equivalent	معادل
Fundamentally	اساسا	Transverse	جانبی
Framework	قاب	Tend to	تمایل داشتن به
Plate	صفحه	Halved	افزایش پیدا کردن
Shell	پوسته	Stiffness	سختی
Solid	اجسام فضایی	Juncture	اتصال
Establish	بنا کردن ، قرار دادن	Concept	مفهوم
Assemblage	یکپارچه	Perpendicular	قائم، عمود
Proper	صحیح	Intensity	شدت
Membrane	غشاء	Spatial	فضائی
Partial	جزئی، بخشی	Accomplish	انجام دادن
Continuum	پیوسته، متصل	Isolating	جدا کردن
Mold	قالب، قالب ریزی کردن	Respective	مخصوص
Alter	جایگزین کردن، داخل شدن	Analogous	قابل مقایسه
Broadly	گسترده ، وسیع	Visualize	نشان دادن، به تصویر کشیدن
Interpretation	تفسیر	Triangular	مثلثی
Deal with	انتخاب کردن	Boundaries	مرزها
Chiefly	بویژه	Accuracy	درستی
Automation	خودکار ، ماشینی	Accurate	درست
Capability	توانائی	Gridwork	شبکه
Synthesize	ترکیب شدن	Vertices	نوکها، رئوس
Scramble	خزش پیدا کردن	Vertex	راس، نوک
Pressurize	فشاردار کردن	Identically	بطور یکسان
Idealize	ایده آل سازی	Noteworthy	قابل ملاحظه
Areal	مساحتی	Distinctions	تفاوت ، وجه تمایز
Entity	هویت	Portray	خوب توجیه کردن
Refine	اصلاح کردن	Enforce	مجبور کردن
Continuum	ممتد	Disparity	تفاوت کلی
Quadratically	درجه دو	Discretization	گسسته سازی

Vertical	قائم	Zone	منطقه
Alignment	هم‌تراز سازی	Congestion	شلوغی
Criteria	معیار	Blight	پست
Grade	شیب	Demanding	تقاضا
Consumption	مصرف	Diminishing	کاهش
Reduction	کاهش	Slashing	کم شدن
Apparent	ظاهر ، آشکار	Blushing	گلگون کردن
Annual	سالانه	Scenic	منظره
Survey	بررسی کردن	Encroachment	تخریب
Terrain	ناهمواری ، زمین	Aesthetics	زیبایی
Residential	مسکونی	Spring Up	رشد کردن
Tend to	تمایل داشتن به	Pedestrian	عابر پیاده
Conform to	مطابق بودن با	Skid	لغزیدن
Blend with	ترکیب شدن با	Respect	جهت
Undulation	نوسان، حرکت موجی	Parabolic	سهمی
Hilly	پر از تپه، با پستی و بلندی	Curve	منحنی
Provision	تامین، بها دادن	Accomplish	انجام دادن
Ascent	ترقی، سربلانی، صعود	Inherent	ذاتی
Dip	گ.دی، قوس	Stricter	سخت، سخت گیرانه
Rural	روستایی	Attributed	نسبت، صفت، نشان
Crowned	تاجدار، نوکدار	Friction	اصطکاک
Pavement	روسازی	Tolerate	تحمل کردن
Shoulder	(شانه (شانه راه	Districts	ناحیه، بخش
Drainage	زهکشی	Sag	شکم دادگی
Adequate	کافی	Tendency	تمایل
Sight Distance	فاصله دید	Undesirable	نامناسب، نامطلوب
Unexpected	غیر مترقبه	Slack	آهسته، سست ، ملایم
Obstacle	مانع	Jerking	تکان خوردن، انقباض
Interference	مداخله، تصادف	Stall	ازکار انداختن، متوقف شدن
Termed	نامگذاری کردن، نامیدن	Virtual	مجازی
Perception	درک ، احساس ، مشاهده	Negotiate	مذاکره کردن
Obstruction	مانع	Tractive	کشنده، مربوط به کشش
Circumstance	شرایط، موقعیت	Effort	کوشش
Trace	خط کشی کردن	Subtracting	کاهش، کم کردن
Pave	روسازی کردن	Drawbar	بازوی کشنده
Decelerate	کاهش سرعت	Expedite	تسریع کردن
Throttle	گاز	Emanating	جاری شدن
Fastener	سوزن راه آهن	Radii	شعاع‌ها
Curvature	انحنای	Offset	خروج از مرکزیت
Crown	تاج، سربلانی	Template	شابلون
Slope	شیب، سراسیمبی	Setting	تنظیم کردن
Ponding	جمع شدن آب		

Harbor	بندر	Timber	الوار
Planning	طراحی	Fertile	حاصلخیز
Partially	نسبتاً	Fertilizer	کود
Enclosed	بسته	Marine	دریایی
Protected	محافظت شده	Pier	اسکله
Storm	طوفان	Wharf (Wharves)	بارانداز
Accommodation	جا دادن	Berth	لنگر اندازی
Vessel	شناور	Shed	انبار
Refuge	پناهگاه	Warehouse	انبار
Supplies	مایحتاج	Tributary	انشعابی
Cargo	بار	Adjacent	همسایگی
Natural	طبیعی	Freight	کرایه
Semi natural	نیمه طبیعی	Commodity	کالا
Artificial	مصنوعی	Comprehensive	گسترده
Commercial	تجاری	Comprise	تشکیل دادن
Municipal	دولتی	Draft	آبخور کشتی
Privately	بطور خصوصی	Tetrapod	چهارپایه
Inlet	ورودی	Tribar	سه پایه
Facilitate	دارای امکانات	Fender	سپر، سد
Bay	خلیج	Jetty	اسکله، بار انداز
Tidal estuaries	دهانه‌های جذر و مدی	Bin	انبار
Finest	زیباترین	Authorities	مقامات مسئول
Sheltered	سایه‌بان دار	Shipment	حمل و نقل آبی
Detached	جدا از هم	To be cleared	ترخیص شدن
Breakwaters	موج شکن	Quarantine	قرنطینه
Dredging	لای روبی	Ballast	تعادل
Solely	به تنهایی	Preparation	ترکیب ، تدارک
Haven	پناهگاه	Favorable	مطلوب
Anchorage	لنگر گاه	Justification	توجیه
Basin	آبگیر	Prospective	مربوط به آینده
Constitute	تشکیل دادن	Seaborne	
Tide	جذر و مد	Inland	در خشکی
Naval	نیروی دریایی	Precede	مقدم بودن
Depot	انبار	Arise	ناشی شدن از

Dock	بارانداز	Extent	گسترده
Outlet	بازار	Tonnage	گنجایش به تن
Commerce	تجاری	Favorable	مطلوب
Associated	وابسته به	Arteries	شریان
Minor	کوچکتر	Flourish	رشد کردن
Raw	خام	Glance	در یک نظر دیدن
Ore	سنگ معدن	Government-subsidize	پارانه
Bauxite	بوکسیت	Isolate	منفرد
Copper	مس	To police	محافظت کردن
Expenditure	سرمایه گذاری	Furnish	تجهیز کردن
Raise	ترقی کردن، فراهم شدن	Blend	ترکیب کردن
Bond issues	اوراق قرضه	Duty	حق گمرک
Subsidize	کمک هزینه	Intervention	مداخله کردن
Embark	در کشتی گذاشتن	Encourage	تشویق کردن
Embarking upon	اقدام کردن	Expedite	تسریع کردن
Anticipate	پیش بینی کردن	Necessitate	مستلزم بودن

Circumstances	شرایط	Improvised	بیهوده
Temporary	موقتی	Cohesion	پیوستگی
Matter	موضوع	Adhesive	چسبنده
Clear-cut	قطعی	Cohesive	پیوندی
Indefinitely	نامحدود	Discrete	مستقل
Judiciously	عقلانه	Expel from	خارج شدن از
Overlay	روکش	Expedite	هموار کردن
Assess	ارزیابی کردن	Deem	فرض کردن
Deduction	کاهش	Imposed	تحمیل کردن
Onset	حمله، هجوم	Pneumatic	هوایی، گازی
Deterioration	فساد، خرابی	Inflated	باد کردن
Likely	محتمل	Numerous	زیاد، سنگین
Sound	سالم	Enthusiastic	پرشور، علاقه‌مند
Stage	مرحله	Appraisal	ارزیابی، تخمین
Relied	قابل اعتماد	Lifespan	دوره عمر
Substantial	اساسی	Misplaced	بی موقع کار کردن
Survey	ارزیابی کردن	Adopt	برگزیدن، انتخاب کردن
Correlation	همبستگی	Hypothetical	فرض احتمالی
Defects	خرابی	Lorry	کامیون
Rut	رد لاستیک	Convenience	مناسب
Elapse	گذشتن، منقضی شدن	Axle	محور
Implication	بطور ضمنی، گرفتاری	Sake	به خاطر، به لحاظ
Reckoning	صورتحساب	Beneath	پایین، زیر روساخت
Emerge	سربرآوردن	Granular	دانه‌ای
To bear	تحمل کردن	Quantify	تعیین کردن، اندازه گیری
Accrue to	تعلق گرفتن به	Widespread	متداول، رایج
Expenditure	سرمایه گذاری	Empirical	عملی
Discounted	تنزیلی	Moisture	رطوبت
Discount rate	نرخ تنزیل	Revised	تجدید نظر کردن
Patch	وصله کردن، تعمیر	Devised	اختراع کردن
Interest	سود	Advised	آگاهانه

Stock	موجودی - ذخیره	Equalization	یکنواختی
Evade	حذر کردن از	Valley	دره - میان کوه
Aquatic	آبزی	Spread	پهن کردن
Pond	استخر - برکه - تالاب	Replenishment	دوباره پهن کردن
Flood	سیل	In spite of	علی رغم
Warrant	تعهد کردن	Fluctuation	بی ثباتی - تغییر
Reservoir	دریاچه پشت سد	Streambed	بستر رود
Supplementary	اضافی - کمکی	Safeguard	نگهداری
Irrigation	آبیاری	Toe	پنجه
Domestic	خانگی	Apron	کف - سکو - صحن
Recreational	تفریحی - سرگرمی	Detection	تاخیر
Interval	حد فاصل	Furnish	ارائه کردن
Tool	ابزار	Supply	تهیه کردن
Malarial	مالاریا	Batching	پیمانہ
Pest	طاعون	Shielding	سپر
Mosquitoes	پشه ها	Lining	روشن کردن
Algae	جلبک	Permeability	نفوذپذیری
Stimulation	تحریک	Earth fill	خاکریز
Protection	حفظ و نگهداری	Conyon	دره گود و باریک
Vegetative	روئیده	Abutment	حد کنار - پایه پل
Retard	به تعویق افتاده	Bypass	گذرگاه فرعی
Erosion	سایش - آب شستگی	Through	Finish
Borrow pits	قرضه	Through	Complete
Sloughing	خشک کردن	Slough	لجن
Bank	کناره	Adverse	مخالف
Expert advice	نظر متخصص	Sink	نشست - فرونشینی
Suppression	جلوگیری	Embankment	خاکریز
Improper	شایسته	Slope	شیب
Manual	دستی - غیر خودکار	Vrest	اوج - قله - تاج سد
Spillway	سرریز	Bog	باتلاق
Presume	احتمال	Boggy	باتلاقی
Interfere	خدشه دار کردن	Beaching	ساحلی - شنی
Contemplate	در نظر داشتن	Disclose	آشکار کردن - فاش کردن
Diversion	تفریحی	Disruption	گسیختگی

Stream	رود - جریان	Adequacy	کفایت
Rehabilitation	تجدی کردن	Pertinent	مربوط
Penstock	آبگیر	Slice	لغزش
Conduit	کانال	Completion	لغزش
Schedule	جدول بندی	Neglect	احمال کردن
Submerged	منفرد	Endowed	دلداری
Contraction	درز انقباض	Administrative	اداری - اجرایی
Heaving	بر آمدگی	Rancher	گله داری
Leakage	نشست	Forester	جنگلدار
Undermining	از زیر خالی شدن	Aggradations	تسطیح - ته نشینی
Agency	نماینده	Cavitations	حفر کردن
Surrounding	در بر گیرنده	Earth fill dam	سد خاکی
Conjunction	پیوستگی	Gate	دریچه
Silting	بند آمدن با گل و لای	Outlet	خروجی
Aggradations	مرحله انتقال تدریجی	Sluice gate	دریچه تخلیه
Lubricate	روغنکاری کردن	Spall	پوسته پوسته شدن
Trash rack	آشغالگیر	Stock pond	حوضچه
Debris	نخاله - پسمانده ها	Tail water	پایاب
Accumulate	انبار شدن	Tributary	انشعاب
Sediment	رسوب	Fragment	آوار
Prevailing	برتر - غالب		